

آزادی از نگاه شیخ فضل الله

۱۹ آبان ۱۴۰۲ ساعت ۱۸:۰۳

«این آزادی که این مردم [مشروطه چیان افراطی] تصور کرده‌اند... کفر در کفر است. من شخصا از روی آیات قرآن بر شما اثبات و مدلل می‌دارم که در اسلام، آزادی کفر است...»

آزادی یکی از مفاهیم اساسی در حکومت مشروطه بود. این موضوع در قانون اساسی مشروطه نیز در بندهای مختلفی انعکاس یافت. با این حال مفهوم آزادی قبل از پیروزی مشروطیت چندان مشخص نیست. از این رو بسیاری از علما به صف مشروطه‌خواهان پیوستند. شیخ فضل الله نوری نیز از جمله این افراد بود. شیخ فضل الله نوری مواضع یکسانی درباره مشروطه نداشت. او در ابتدا از حامیان مشروطه بود؛ اما بعد از مدتی به یکی از مخالفان سرسخت آن تبدیل شد. یکی از عوامل مهمی که باعث مخالفت شیخ فضل الله با مشروطیت شد، موضوع آزادی بود. شیخ فضل الله با آزادی موردنظر مشروطه خواهان مخالف بود. آزادی در اندیشه سیاسی ایشان جایگاه خاصی داشت. با این مقدمه در این مطلب به بررسی مفهوم آزادی در دیدگاه شیخ فضل الله و دلایل مخالفت ایشان با این مقوله پرداخته شده است.

آزادی از دیدگاه شیخ فضل الله

مفهوم آزادی در اندیشه شیخ فضل الله کاملا در چارچوب دین تعریف می‌شد. وی با آزادی به معنای حلال شمردن محرمات الهی و مخالفت با دین و مذهب مخالف است نه با آزادی از ظلم و ستم به گفته محمد ترکمان در جایی شیخ فضل الله تبیین خود را از آزادی این گونه بیان می‌کند: «مراد از حریت، حریت در حقوق مشروع و آزادی بیان در مصالح عامه است تا اهالی این مملکت مثل سوابق، ایام گرفتار ظلم و استبداد نباشند و بتوانند حقوقی که از جانب خداوند برای آنها مقدر است مطالبه و اخذ نمایند نه حریت ارباب ادیان باطله و آزادی در اشاعه منکرات شرعی که هر کس آنچه بخواهد بگوید و به موقع اجرا بگذارد.» [۱] این تعریف از آزادی از بسیاری جهات در نقطه مقابل آزادی در حکومت مشروطه قرار داشت. در واقع شیخ، بر اساس دیدگاه‌های خاصی با مشروطیت مخالف بود.

چرا دیدگاه شیخ فضل الله نسبت به مفهوم آزادی مشروطه خواهان تغییر کرد؟

شیخ فضل الله با قرائت مشروطه خواهان از آزادی مخالف بود. این مخالفت بعد از پیروزی مشروطه و انعکاس مفهوم آزادی در قانون اساسی بیشتر خود را نشان داد. دلیل این موضوع نیز عدول مشروطه طلبان از شعارهای اولیه خود بود. در واقع مشروطه خواهان در ابتدا تنها بر وجود مثبت آزادی تاکید داشتند؛ اما بعد از پیروزی مشروطه، مبارزه با دین و شعائر آن را نیز در پیش گرفتند.

چنانچه بحث آزادی مطبوعات دستاویزی برای حمله به مقدسات دینی و مذهبی شد. روزنامه کوكب دری در شماره ۱۳ سال اول خود نوشت: «شما مردم نادان چرا این قدر اعتقاد به این اشخاص دارید که در هزار و سیصد سال قبل به یزید بن معاویه یاغی شد و قشون فرستاد، خود (و) همراهانش را کشتند. حالا این مردم روضه خوانی می نمایند، خرج می دهند و مال خود را بی جهت تفریط می نمایند. یک جماعتی به خاک کربلا اعتقاد دارند، این خاک چه مزیت و برتری با خاک‌های دیگر دارد.» [۲] این موضوع عامل مهمی در تغییر اندیشه‌های سیاسی شیخ فضل الله در رابطه با مشروطه به خصوص مفهوم آزادی بود.

دلایل مخالفت شیخ فضل الله با مفهوم آزادی در مشروطیت

با توجه به تغییراتی که در مفهوم آزادی مشروطه خواهان صورت گرفت، دلایل مخالفت شیخ فضل الله با این موضوع را می توان در چند محور مورد بحث قرار داد:

تناقض با دین اسلام

شیخ فضل الله آزادی مشروطه خواهان را مصداق مخالفت آنها با چارچوب دین می دانست. او در گفتگویی با طباطبایی و بهبهانی در حضرت عبدالعظیم علیه السلام مخالفت خود را اینگونه ابراز می کند:

«این آزادی که این مردم [=مشروطه چیان افراطی] تصور کرده اند... کفر در کفر است. من شخصا از روی آیات قرآن بر شما اثبات و مدلل می دارم که در اسلام، آزادی کفر است. اما فقط در آزادی شان، یک چیز است که فقط و فقط در خیر عموم، اگر کسی چیزی به خاطرش می رسد بگوید، لاغیر، اما نه تا اندازه‌ای باید آزاد باشد که بتواند توهین از کسی بکند. مراد از خیر عموم، ثروت است و رفتن در راه ترقی است و پیدا کردن معدن است، بستن سدهای عدیده است و ترقیات دولت و ملت. آیا گفته اند کسی که دارای این آزادی است، باید توهین از مردمان محترم بکند؟!...» [۳]

تاکید بر آزادی بی حد و حصر

درواقع اشاره شیخ فضل الله به برخی از بندهای قانون اساسی بود که آزادی بی حد و شماری را برای بسیاری از اقدامات باز گذاشته بود. چنانچه وی در اشاره به اصل بیستم متمم قانون اساسی می گوید: «به موجب این ماده بسیاری از محرمات ضروری حلال می شود زیرا که تنها دو امر اجازه داده نشده است، یکی پراکندن کتب ضلال و دیگری مواد مضره به دین مبین. در صورتی که یکی از محرمات ضروریه افتراست و یکی از محرمات مسلمة غیبت از مسلم است. از دیگر امور حرام نیز ایذاء و سب و فحش و توهین و تخویف و تهدید و نحو آن می باشد و آزادی این امور چیزی جز تحلیل ما حرمة الله، یعنی حلال ساختن آنچه خداوند حرام کرده است، نیست.» [۴]

اصل بیستم متمم قانون اساسی دلالت بر این داشت که «عامه مطبوعات غیر از کتب ضلال و مواد مضره به دین مبین آزاد و ممیزی در آنها ممنوع است ولی هرگاه چیزی مخالف قانون مطبوعات در آنها مشاهده شود نشردهنده یا نویسنده برطبق قانون مطبوعات مجازات می شود اگر نویسنده معروف و مقیم ایران باشد ناشر و طابع و موزع از تعرض مصون هستند» بر این اساس. شیخ فضل الله نوری درواقع متوجه خطرات آزادی موردنظر مشروطه خواهان برای استقلال سیاسی کشور شده بود. از این رو بارها نیز در این

رابطه به مشروطه‌خواهان و حامیان آن‌ها پیام هشدار داد.

تکیه بر فرهنگ و سیاست‌های غربی

وجه دیگر مخالفت شیخ فضل‌الله با آزادی موردنظر مشروطه‌طلبان، اقتباس آزادی از فرهنگ غربی بود. از نظر شیخ فضل‌الله این نوع از آزادی با فرهنگ دینی و اسلامی ایران کاملاً در تضاد بود و در درازمدت می‌توانست عواقب خطرناکی از نظر اخلاقی در پی داشته باشد.

سخن‌نمایی

شیخ فضل‌الله نوری در یکی از حساس‌ترین برهه‌های تاریخ ایران و در حالی که بسیاری از مردم و حتی روحانیون شیفته شعارهای مشروطه‌خواهان شده بودند، به درستی مقصود آن‌ها را دریافت. البته شیخ فضل‌الله نیز در ابتدای مسیر که مقصود و اهداف مشروطه‌خواهان به خوبی مشخص نشده بود به هواخواهی از آن‌ها برخاست. اما وقتی مقاصد اصلی مشروطه‌خواهان مشخص شد، ایشان با هوشیاری به مخالفت با آن برخاستند. زیرا از نظر ایشان آزادی موردنظر مشروطه‌خواهان هیچ‌گونه تناسبی با استقلال سیاسی و فرهنگ اسلامی ایران نداشت.

[۱] - بهمن احمدی، اسماعیل حسینی گلی و عبدالحسین‌الله کرم، «تحلیل گفتمام شیخ فضل‌الله نوری پیرامون مفهوم آزادی در انقلاب مشروطیت، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، انجمن مطالعات جهان اسلام، سال یازدهم، شماره دوم، (تابستان ۱۴۰۰) صص ۶۴-۶۵

[۲] - جمعی از پژوهشگران، گلشن ابرار، ج ۲، قم، نشر معروف، چاپ دوم، ۱۳۸۲، ص ۳۳۷

[۳] - جمعی از نویسندگان، بانک جامع مقالات امام خمینی (ره)، اصفهان، مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ۱۳۹۰، ص ۴۷۶۶

[۴] - جریان‌های فکری مشروطیت: مجموعه سخنرانی‌ها، مقالات و ضمایم، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۶، ص ۶۶

